



طراحی و اعتبار سنجی مدل حکمی سازی در نظام آموزش عالی کشور

سمیه سیمائی

دانشجوی دکتری مدیریت آموزشی، گروه علوم تربیتی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران

Simasimaei1363@mshdiau.ac.ir

الهام فریبرز

استادیار گروه علوم تربیتی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران (مسئول مکاتبات)

e-fariborzi@mshdiau.ac.ir

نازیاسادات ناصری

استادیار گروه علوم تربیتی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران

Dr.naseri@mail.com

تاریخ پذیرش: ۴۰۴/۲/۲۱

تاریخ دریافت: ۴۰۳/۶/۱۸

چکیده

در حال حاضر نظام‌های دانشگاهی کشور عمدتاً بر اساس رویکردهای غیربومی شکل گرفته و به این جهت امکان پاسخگویی به نیازهای متعدد جامعه علمی ایرانی را در ابعاد مختلف ندارند که حکمی سازی به عنوان یک راه کار می تواند راهگشا باشد. این پژوهش باهدف طراحی و اعتبار سنجی مدل حکمی سازی در نظام آموزش عالی کشور انجام پذیرفت. فلسفه پژوهش آمیخته با رویکرد اکتشافی است و روش تحقیق پژوهش به صورت کیفی (تئوری داده بنیاد) و کمی (پیمایشی) هست. تعداد ۱۲ نفر از خبرگان نظام آموزش عالی جهت مصاحبه حضوری با روش گلوله برفی انتخاب شدند. پرسشنامه‌ها از روی مصاحبه‌های کدگذاری و تأیید شده طراحی شد. در بخش کمی از بین اعضای هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی مشهد، تعداد ۱۹۰ نفر به روش تصادفی طبقه‌ای متناسب با حجم انتخاب شدند. به منظور تحلیل داده‌های به دست آمده از مصاحبه‌ها، فرایند سه مرحله‌ای کدگذاری باز، محوری و انتخابی استفاده شده که ابعاد و مؤلفه‌ها تعیین و مدل موردبررسی قرار گرفت. نتایج شامل ۲۹۸ کدباز در قالب ۱۶ مؤلفه و ۶ مقوله بود. مقوله عوامل علی شامل ۳ مؤلفه عوامل فردی، بین فردی و سازمانی است. مقوله محوری (حکمی سازی) شامل ۳ مؤلفه دانش عملی، دانش هوشمندانه و تفکر خردمندانه است. مقوله استراتژی‌ها شامل ۴ مؤلفه استراتژی جامع علمی کشور، استراتژی رهبری تحول‌گرا، استراتژی حکمت رفتارگرا و استراتژی جهاد تبیین است. مقوله پیامدها شامل ۲ مؤلفه بهبود عملکرد نظام آموزش و تحقق فضایل اخلاقی هست. مقوله زمینه خدمات شامل ۲ مؤلفه عوامل فرهنگی و عوامل ساختاری است. در نهایت مقوله مداخله‌گرها شامل ۲ مؤلفه محیط خرد و محیط کلان است. نتایج بخش کمی نشان داد که الگوی مذکور از اعتبار لازم برخوردار است. در نهایت ارائه مدل حکمی سازی در نظام آموزش عالی کشور می‌تواند دانشجویان را با فضای حکمت و خرد در دانشگاه آشتی دهد و راهگشای بسیاری از مشکلات آموزش عالی باشد.

واژه‌های کلیدی: حکمت، حکمی سازی، آموزش عالی.

۱- مقدمه

نظام آموزش عالی به عنوان یکی از ارکان کلیدی پیشرفت جوامع، نقش حیاتی در توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دارد. با این حال، بسیاری از کشورهای جهان به ویژه در مناطق در حال توسعه، با چالش های متعددی در این زمینه مواجه اند که ناتوانی نظام های آموزشی در پاسخ به نیازهای متغیر جامعه یکی از مهم ترین این چالش ها به شمار می رود (آرگون و اوزکول^۱، ۲۰۲۳، ۱۰۸۷). لذا برای رسیدن به اهداف عالیه ی خویش لزوم بازنگری، تغییر و تحول روزآمد، تجدیدنظر در برخی اهداف و برنامه های عملیاتی خویش، مهندسی مجدد، تغییر نگرش در نظام آموزش عالی را احساس نموده اند (مارکز و ال علی^۲، ۲۰۲۲، ۶۳). چراکه زیربنای توسعه اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی هر جامعه ای با توسعه آموزش عالی و توفیق آن در تحقق اهدافش گره خورده است و در بخش آموزش عالی، ارتقای کیفی و پیشرفت دانشگاه ها، یکی از محورهای اساسی قانون برنامه چهارم و پنجم توسعه است (سعید مهدوی و همکاران، ۱۴۰۰، ۵۴۰). دانشگاه به عنوان یکی از مهم ترین ارکان نظام آموزشی هر کشوری محسوب می شود که می تواند نقش کلیدی در تعالی جامعه داشته باشد (حیدری تفرشی و همکاران، ۱۳۹۷، ۴۰۵). امام خمینی (ره) درباره این نقش دانشگاه می فرماید: «دانشگاه مرکز سعادت و در مقابل، شقاوت یک ملت است. از دانشگاه باید سرنوشت یک ملت تعیین بشود. دانشگاه خوب یک ملت را سعادتمند می کند و دانشگاه غیر اسلامی، دانشگاه بد، یک ملت را به عقب می زند. دانشگاه باید مرکز درست کردن انسان باشد». این سخن نقش بی بدیل و انکارناپذیر آموزش عالی و دانشگاه ها را در زندگی بشریت نشان می دهد که در این راستا حکمی سازی نظام آموزش عالی به روشن تر شدن تصویر کلی سیستم آموزشی و هم راستایی آن با نیازهای جامعه نمایان می شود (احمدی و همکاران، ۱۳۹۹، ۹۰). به عبارت دیگر، آموزش عالی در تمامی شئون زندگی انسان نقشی مؤثر دارد؛ زیرا دانش آموختگان دانشگاه در فرایندهای حیاتی زندگی انسان و جامعه مانند قانون گذاری، تصمیم سازی، تصمیم گیری و اجرا مسئولیت های مهمی را بر عهده دارند (سهرابی و همکاران، ۱۴۰۰، ۱۸۷). در واقع هدف نظام آموزش عالی باید شکوفا کردن استعدادها، تولید قابلیت ها و شایستگی ها باشد و نه تعریف آینده برای افراد. به عبارتی نظام آموزش عالی موجود مسئول تربیت هزاران متفکر آینده در برابر تحولات سریع و عمیق سیستمی جامعه امروز است که از طریق حکمی سازی

عملی خواهد شد (جاویدی و محمد زاده، ۱۴۰۲، ۱۴). در این راستا حکمی سازی نظام آموزش عالی به فرآیندهایی اشاره دارد که به منظور بهبود کیفیت و کارایی نظام های آموزشی در دانشگاه ها و مؤسسات آموزش عالی انجام می شود. این مفهوم شامل استفاده از دانش، تجربیات و تحلیل های عمیق برای اتخاذ تصمیمات بهتر در زمینه های آموزشی و پژوهشی است (رحمانیان کوشکی و همکاران، ۱۴۰۲، ۳۳). همچنین بر اساس تجارب جهانی و تحلیل های موجود، حکمی سازی نظام آموزش عالی برای افزایش کارآمدی و انطباق آن با تغییرات سریع اقتصادی، فناوری و اجتماعی، ضروری به نظر می رسد و به معنای ایجاد ساختاری است که در آن آموزش، پژوهش و خدمات اجتماعی به صورت منسجم و هماهنگ به یکدیگر پیوند می خورند و ظرفیت های انسانی و علمی در راستای پیشرفت ملی و منطقه ای بهره برداری شوند (ساناکا^۳، ۲۰۲۳، ۳۳۰).

لذا حکمی سازی نظام آموزش عالی می تواند با وقوع انقلابی فکری، فلسفی و فرهنگی در نقش و مأموریت دانشگاه ها و مؤسسات آموزش عالی، با اثرگذاری و تحول در هدف و روش آموزش، پژوهش، خلاقیت، نوآوری و کارآفرینی و با کسب، توسعه و پرورش حکمت در ذی نفعان گوناگون خود، در دستیابی به جامعه و دنیایی حکیمانه نقشی حیاتی داشته باشد (جاجرمی زاده، ۱۴۰۱، ۶۰). حکمی سازی نظام آموزش عالی گام بلندی است از دانش نظری و علمی مدرن (چرایی؟) و دانش فنی فناوریانه (چگونگی؟) به سمت چیزی که درست است و باید در دنیای واقع انجام شود تا نفع عامه را تأمین کند (صمدی میار کلاهی و صمدی میارکلاهی، ۱۳۹۸، ۴۴). به همین جهت، تصمیم گیری در راستای حکمی سازی در نظام آموزش عالی، احتمالاً مهم ترین و پیچیده ترین مسئله در سیاست گذاری آموزش عالی است (آدیتیا^۴ و همکاران، ۲۰۲۲، ۴۴۶)؛ زیرا بر اساس سند چشم انداز ۲۰ ساله جمهوری اسلامی ایران، کشور باید جایگاه اول علمی و اقتصادی را تا ۲۰ سال آینده در بین کشورهای همسایه، خاورمیانه و آسیای میانه کسب کند و این امر بدون توجه به آموزش عالی به منظور ارتقای کیفیت نیروهای انسانی ناممکن است؛ بنابراین، دلیل توجه به استفاده از اصول حکمی سازی در نظام آموزش عالی بیشتر نمود پیدا می کند (ملکی نیا و همکاران، ۱۳۹۷، ۵۲۰).

چالش های متعددی در این مسیر وجود دارد. از جمله این چالش ها می توان به عدم تطابق برنامه های درسی با نیازهای بازار کار، سیستم های ارزیابی ناکارآمد، کاهش انگیزه و مشارکت

دانشجویان، عدم همکاری بین دانشگاه‌ها و صنایع، مقاومت در برابر تغییر و محدودیت‌های مالی و زیرساختی اشاره کرد. این مشکلات نه تنها مانع از ارتقاء کیفیت آموزش عالی می‌شوند بلکه موجب کاهش قابلیت‌های نیروی کار و درنهایت کندی روند توسعه ملی خواهند شد. علاوه بر این نبود دانشگاه‌های ایرانی - اسلامی بر پایه حکمی سازی در کشور مسائل و دغدغه‌هایی را نظیر مسائل مالی، فرهنگی، ساختاری، دیپلماتیکی و بین‌المللی شدن، پژوهشی، آموزشی و بهره‌وری اعضای هیئت‌علمی به همراه دارد (جمشیدی خوش، ۱۴۰۱، ۳۲۹). چراکه امروزه در نظام آموزش عالی کشور، علیرغم بالا رفتن سطح سواد و دانش کارکنان و مدیران، آن‌چنان‌که باید و شاید، از این دانش به‌درستی در عمل استفاده نمی‌شود و مراکز آموزش عالی نتوانسته‌اند از دانش افراد به نحو احسن استفاده کنند (میری و همکاران، ۱۴۰۲، ۲۵)؛ زیرا نظام آموزش عالی موجود در کشور عمدتاً بر اساس رویکردهای غیرومی شکل‌گرفته‌اند و به این جهت امکان پاسخگویی به نیازهای متعدد جامعه علمی ایرانی را در ابعاد مختلف ندارند. به همین جهت نیاز است تا رویکرد و نگاه جدیدی برای مدیریت آموزش عالی در کشور مطرح گردد که بتواند رویکرد اسلامی و ایرانی به دانشگاه و نقش تمدن ساز آن را برای کشور تبیین کند (حق‌دوست و همکاران، ۱۴۰۰، ۵۸). درنهایت مأموریت اصلی جهت حکمی کردن نظام آموزش عالی بهره‌گیری از حکمی سازی به‌عنوان چارچوبی کلان است که دانش مفید از آن منشعب می‌شود و از آنجا که تعیین زا و تعیین محور است قابلیت تبدیل به علم، دانش و فناوری را دارد و برای کسب آن، نظر و عمل در کنار یکدیگر لازم است تا جویندگان دانش به‌جایی برسند که بتوانند از خیر کثیر با توجه به ظرفیت خود بهره‌مند شوند. نظامی که چنین دانش‌آموختگانی داشته باشد منشأ پیشرفت در ابعاد مختلف اجتماع همچون ابعاد اجتماعی، اخلاقی، علمی و فناوری برای جامعه است (صادقیان موحد و همکاران، ۱۴۰۱، ۸۶).

در راستای ضرورت انجام این پژوهش می‌توان به استاد بالادستی که پیشرفت دانشگاه اسلامی-ایرانی را از الگوی توسعه و پیشرفت جامعه ایرانی-اسلامی می‌دانند اشاره کرد. به‌عنوان مثال در سند چشم‌انداز بیست‌ساله انقلاب اسلامی ایران که در تاریخ ۱۳/۸/۱۳۸۲ توسط رهبر معظم انقلاب به سران قوای سه‌گانه ابلاغ‌شده در خصوص توسعه با هویت اسلامی انقلابی این‌گونه بیان‌شده: با اتکال به قدرت لایزال الهی و در پرتو ایمان و عزم ملی و کوشش برنامه‌ریزی‌شده و مدیرانه جمعی و در مسیر تحقق آرمان‌ها و اصول قانون اساسی، در چشم‌انداز بیست‌ساله، ایران کشوری است توسعه‌یافته با جایگاه اول

اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه با هویت اسلامی و انقلابی، الهام‌بخش در جهان اسلام و با تعامل سازنده و مؤثر در روابط بین‌الملل. همچنین در چشم‌انداز نظام آموزش عالی در افق ۱۴۰۴ دانشگاه‌ها این‌گونه تعریف‌شده‌اند: برخورداری از دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌های پیشگام در عرصه تولید دانش و تبیین توسعه فرهنگ جهانی اسلام و پیشتاز در گسترش مرزهای دانش و علوم کاربردی، کارآمد مبتنی بر نگرش وحیانی به‌منظور کسب مرجعیت علمی و فرهنگی در منطقه و جهان اسلام و دارای اساتید عالم، متدین، عدالت‌خواه و آزاداندیش تربیت‌یافته در مکتب اسلام و انقلاب، مسئولیت‌پذیر در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی با توانایی تربیت متخصصان متدین و متعهد و دانشمندانی برتر. درنهایت در سند دانشگاه اسلامی در سال ۱۳۹۲ توسط شورای اسلامی شدن دانشگاه‌ها تهیه و به تصویب شورای انقلاب فرهنگی رسیده است و به وزارت علوم جهت اجرا ابلاغ‌شده است، مأموریت دانشگاه اسلامی این‌گونه تعریف‌شده است: دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی هر جامعه نماد بالاترین سطح علم و فرهنگ آن جامعه محسوب می‌شوند بنابراین آموزش عالی کشور بایستی، مبدأ تحولات علم و فرهنگ و درنهایت حکمت باشد (میری و همکاران، ۱۴۰۲، ۱۰)؛ بنابراین احیای هویت تمدنی و پیشرفت جمهوری اسلامی، مستلزم رشد متوازن و همه‌جانبه ابعاد علمی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی کشور است که در مسیر تعالی آن، آموزش عالی کشور و دانشگاه‌ها نقش پیشران و موتور محرکه را بر عهده خواهند داشت که همانا امر حکمی سازی را برای آموزش عالی و دانشگاه‌ها می‌طلبد. سند اسلامی سازی دانشگاه‌ها سند بالادستی طرح دانشگاه حکمت بنیان نیز محسوب می‌شود. درواقع حکمی کردن دانشگاه‌ها روش رسیدن به دانشگاه ایرانی-اسلامی است. از منافع آنی حکمی سازی نظام آموزش عالی کشور می‌توان چنین بیان نمود که در کوتاه‌مدت، حکمی سازی تأثیرات مثبتی بر کیفیت تدریس و یادگیری خواهد گذاشت و استادان را قادر به استفاده از رویکردهای نوین آموزشی می‌کند و با ایجاد محیط‌های یادگیری متناسب با نیازهای عاطفی و عقلانی دانشجویان، رضایت این گروه افزایش خواهد یافت. همچنین حکمی سازی به توسعه مهارت‌های شغلی دانشجویان کمک می‌کند که مهارت‌های لازم برای ورود به بازار کار و تعاملات حرفه‌ای را به دست آورند و درنهایت با معرفی و ترویج ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی، دانشجویان به‌سوی مسئولیت‌پذیری و ایجاد تغییرات مثبت در جامعه سوق داده می‌شوند. در آینده نظام آموزش عالی نیز حکمی سازی می‌تواند موجب ایجاد ساختارهای آموزش و یادگیری پایدار شود که به استمرار

کاربردی، می‌تواند کارکردهای مثبتی را به همراه داشته باشد. بنابراین با توجه به مسئله عنوان‌شده این تحقیق در پی پاسخ به این سؤال است که مدل حکمی سازی نظام آموزش عالی کشور و اعتبار سنجی آن چگونه است؟

مبانی نظری پژوهش حکمی سازی

حکمی سازی نظام آموزش عالی به معنای ایجاد و تقویت فاکتورهای تفکر عمیق، تحلیل انتقادی و رشد اخلاقی در فرایند آموزش و یادگیری هست. این مفهوم شامل طراحی و پیاده‌سازی مدل‌هایی است که بر پایه ارزش‌های انسانی، اخلاقی و اجتماعی بناشده و به دنبال تربیت افرادی با توانایی‌های فکری و خلاقیت بالا هستند (جاویدی و محمدزاده، ۱۵۰۲۰۲۲). در تعریف حکمی سازی دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی، تعمیق بخشی دانش از طریق هم‌سویی میان نظام تعلقات و باورها با تکنیک‌ها است به‌نحوی که موجب هم‌افزایی و اثربخشی عملکرد آن شود (راماناسوکاس و بانیویچیوس^۱، ۲۰۲۱). حکمی‌سازی در این زمینه چندین جنبه اصلی دارد:

- ۱) تأکید بر تفکر انتقادی: تشویق دانشجویان به فکر کردن عمیق‌تر و پرسش‌گری در مورد مطالب آموزشی و جامعه.
- ۲) رویکرد بین‌رشته‌ای: ترویج همکاری و ارتباط بین رشته‌های مختلف علمی به‌منظور ایجاد یک محیط یادگیری جامع و همگرا.
- ۳) توسعه مهارت‌های عملی: توجه به نیازهای عملی و کاربردی در کنار نظریات و مفاهیم علمی، به‌طوری‌که دانشجویان بتوانند به‌صورت مؤثر در جامعه عمل کنند.
- ۴) تقویت بعد اجتماعی و اخلاقی: ایجاد بسترهایی برای تربیت افراد با مسئولیت اجتماعی و درک درستی از چالش‌های انسانی و اجتماعی.
- ۵) غنی‌سازی محیط یادگیری: استفاده از روش‌های نوین آموزشی، فناوری‌های روز و تجارب بین‌المللی برای بهبود فرآیند یاددهی یادگیری (صابری و گودرزی، ۱۵۱، ۱۳۹۸).

حکمی سازی درواقع به دنبال ایجاد یک نظام آموزشی پایدار و مسئولیت‌پذیر است که به پرورش نسل‌های آینده در ابعاد مختلف کمک کند و می‌تواند با وقوع انقلابی فکری، فلسفی و فرهنگی در نقش و مأموریت دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی،

تحصیل و پژوهش در دانشگاه‌ها کمک کند و به توسعه افراد شایسته با تأکید بر حکمی سازی، افراد با تفکر انتقادی و توانایی‌های رهبری پرورش خواهند یافت که می‌توانند در سطوح مختلف جامعه ایفای نقش کنند. ضمن اینکه حکمی سازی می‌تواند نوآوری و خلاقیت را تقویت کرده و با تشویق به تأمل و تفکر عمیق می‌تواند به نوآوری‌های علمی و فناوری منجر شود که بر کیفیت زندگی و توسعه اقتصادی تأثیرگذار است و درنهایت موجب تسهیل ارتباطات بین‌المللی و تبادل دانش با کشورهای دیگر شود و به ارتقاء سطح علمی نظام آموزش عالی کمک کند. این منافع نه‌تنها به توسعه نظام آموزش عالی بلکه به پیشرفت کلی جامعه نیز کمک خواهد کرد.

لذا با توجه به مطالب بیان‌شده و ضرورت آن مشخص است به‌طورکلی تاکنون تحقیق جامعی درباره حکمی سازی نظام آموزش عالی در کشور انجام‌نشده است که کاملاً گویای ویژگی‌های این نوع نظام باشد؛ بنابراین تحقیق حاضر قصد دارد نقطه شروعی برای تحقیقات آتی در مورد حکمی سازی در نظام آموزش عالی باشد. به‌علاوه، از این تحقیق انتظار می‌رود عواملی که بیشترین تأثیر را بر حکمی سازی نظام آموزش عالی دارند، شناسایی کنند. نهایتاً، همان‌طور که تحقیق در حوزه‌های دیگر به درک ماهیت پیچیده نظام آموزش عالی کمک کرده امید آن می‌رود که تحقیق درباره حکمی سازی نظام آموزش عالی کشور نیز به درک بهتر این نظام کمک نماید که این خود بیانگر اهمیت و ضرورت انجام این تحقیق است. از طرف دیگر از نظر کاربردی انجام تحقیق حاضر باعث می‌شود در بررسی نظام آموزش عالی، مخصوصاً جامعه آماری منتخب، در موضوع و زمینه حکمی سازی دقیق‌تر به قضیه نگاه شود؛ یعنی بدانیم اگر قصد حکمی سازی را در نظام آموزش عالی راداریم باید به چه عوامل اثرگذاری بیشتر توجه کنیم. برخورداری از آموزش عالی با سطح بالایی از حکمت باعث افزایش کارایی و کیفیت خروجی این نظام و درنهایت ارتقای کیفیت و اثربخشی کل جامعه خواهد شد. عدم بررسی این موضوع، باعث عدم شناخت در زمینه حکمی سازی خواهد شد و تا زمانی که شناختی از حکمی سازی حاصل نگردد، نمی‌توان انتظار یک نظام آموزشی حکمی را داشت که مأموریت اصلی آن تربیت انسان‌های حکیم، توسط مراکز حکمی در جهت خلق، نشر و تعالی فرهنگ علم و فناوری و نهایتاً توسعه و ترویج حکمی سازی آموزش عالی است؛ بنابراین امیدواریم انجام تحقیق حاضر بتواند راهگشای بعضی از مشکلات نظام آموزش عالی در راستای ارتقای کیفیت خروجی آن‌ها باشد. ازاین‌رو انجام این تحقیق هم از لحاظ نظری و هم از لحاظ

دیدگاه راهبردی، تصمیم‌گیری و قضاوت عقلانی و اخلاقی و پیامدها شامل توسعه و تعالی سازمانی هست.

در مطالعات خارجی نیز هائتامی^۱ (۲۰۲۴) در پژوهشی با عنوان مدیریت آموزش مبتنی بر حکمی سازی محلی بیان کرد به‌کارگیری آموزش مبتنی بر حکمت محلی می‌تواند حس غرور را در فرهنگ بومی تقویت کند. جاویدی و محمد زاده (۲۰۲۲) در پژوهشی با عنوان تأثیر مجازی‌سازی عملکرد سازمانی بر ثبات سازمانی از طریق هم‌افزایی سرمایه انسانی و حکمت سازمانی سازمان در سازمان‌های ورزشی به این نتیجه رسیدند که مجازی‌سازی عملکرد سازمانی با نقش واسطه‌ای هم‌افزایی منابع انسانی و حکمت سازمانی بر ثبات سازمانی تأثیر معناداری دارد. همچنین رماناسویکاس و بانویچیوس (۲۰۲۱) در پژوهشی با عنوان اصول حکمت سازمانی در صنعت گردشگری سلامت بیان کردند که رهبری تحول‌آفرین، فرهنگ سازمانی، ساختار مدیریت و کار تیمی، شناخت تغییرات محیطی و واکنش سریع و مؤثر به آن، تفکر دستگاهی، تعامل بین سازمان‌های مختلف می‌تواند منجر به راه‌حل‌های باکیفیت بالا (نوآوری) شود.

در نهایت حکمی‌سازی نظام آموزش عالی به معنای تدوین و اجرای سیاست‌ها و قواعدی است که به بهبود کیفیت و کارایی آموزش عالی کمک می‌کند. این فرآیند می‌تواند شامل تجدیدنظر در ساختارهای آموزشی، بهبود روش‌های تدریس و یادگیری و تقویت همکاری بین دانشگاه‌ها و صنعت باشد. نتیجه‌گیری می‌تواند به این صورت باشد که حکمی‌سازی می‌تواند به افزایش دسترسی به آموزش، ارتقاء کیفیت علمی و مهارت‌های دانشجویان و در نهایت به توسعه پایدار جامعه کمک کند. این اقدام به ایجاد یک اکوسیستم آموزشی متوازن و پویا منجر خواهد شد که در آن نهادهای آموزش عالی نقش مؤثری در حل چالش‌های اجتماعی و اقتصادی ایفا کنند؛ بنابراین با توجه به مطالب گفته‌شده این پژوهش در پی طراحی مدلی برای حکمی سازی در نظام آموزش عالی است. لذا با مطالعه ادبیات مربوطه مشخص می‌شود که هر تحقیقی از دیدگاهی به این سازه پرداخته است به‌طوری‌که در مطالعات مختلف با یکدیگر متفاوت است. بیشتر تحقیقات و مطالعات انجام‌شده درباره حکمت سازمانی، با تمرکز بر سایر متغیرهای فردی و سازمانی در سازمان‌های مختلف انجام‌شده است و در زمینه ضرورت حکمت سازمانی در سازمان‌های دانش‌محور و حکمی سازی خصوصاً در نظام آموزش عالی کشور کمتر و یا به عبارتی به‌هیچ‌عنوان انجام‌نشده است. در زمینه علت‌شناسی، اغلب تحقیقات بررسی ارتباط و تأثیر این متغیر را بر سایر عوامل نگریسته‌اند و بیشتر

با اثرگذاری و تحول در هدف و روش آموزش، پژوهش، خلاقیت، نوآوری و کارآفرینی و با کسب، توسعه و پرورش حکمت در ذی‌نفعان گوناگون خود، در دستیابی به جامعه و دنیایی حکیمانه نقشی حیاتی داشته باشد (صمدی میار کلایی و صمدی میار کلایی، ۱۳۹۸، ۴۴).

پیشینه پژوهش

در این قسمت به‌طور مختصر به پژوهش‌های انجام‌شده در این زمینه پرداخته می‌شود:

جامه بزرگ و خسرو پناه (۱۴۰۳) در مطالعه‌ای با عنوان ابعاد یادگیری در مدل طراحی آموزشی حکمی (حکمت بنیان) مبتنی بر رویکرد حکمی-اجتهادی بیان کردند که یادگیری مبتنی بر فرا عقلانیت ابعاد مشخصی دارد که شامل ابعاد یادگیری، اهداف یادگیری، تبحر معلم و شاگرد، تولید محتوا و انتخاب رسانه/ فرا رسانه، تدریس و ارزشیابی است تفسیر می‌شود. رحیمی و همکاران (۱۴۰۳) نیز در مطالعه‌ای با عنوان طراحی مدل خرد سازمانی با رویکرد داده بنیاد نشان دادند که عوامل مؤثر، موانع و عوامل مداخله‌گر و پیامدهای خلق خرد سازمانی را با در نظر گرفتن مدیریت دانش، در پنج مقوله محوری طبقه‌بندی می‌کند. میری و همکاران (۱۴۰۲) در پژوهشی با عنوان راهبردهای آموزش در دانشگاه حکمت بنیان بیان کردند که حاکمیت اصول اعتقادی، احکام و اخلاق اسلامی در تمامی ابعاد دانشگاه، خردورزی و عقلانیت، تقدم تزکیه بر تعلیم، قدسی بودن علم و محیط‌های علمی، تعهد به آرمان‌های انقلاب اسلامی، جهاد علمی و ارتقای اعتمادبه‌نفس ملی و تولید علم نافع و توسعه نهضت نرم‌افزاری، تقدم منافع ملی و مصالح عمومی بر منافع فردی و گروهی، تمدن‌سازی دانشگاه‌ها، عدالت محوری در تمامی شئون دانشگاه، اهتمام به ملازمت پیوستگی دو نظام آموزش عالی و آموزش عمومی، اهتمام به ملازمت پیوستگی دو نظام آموزش عالی و آموزش عمومی ازجمله اصول و مبانی دانشگاه حکمت بنیان هستند. همچنین رحمانیان کوشکی و همکاران (۱۴۰۲) نیز در تحقیقی به طراحی مدل مفهومی استقرار سازمان حکمت محور در کمیته ملی المپیک جمهوری اسلامی ایران پرداختند و نشان دادند که استقرار سازمان حکمت محور در کمیته ملی المپیک شرایط علی شامل عوامل خلاقیت و نوآوری، یادگیری سازمانی، فرآیند محوری، عوامل زمینه‌ای شامل عوامل سازمانی و انسانی، عوامل مداخله‌گر شامل سیاست‌های کلان و عوامل محیطی، راهبردها شامل

سیاست‌گذاری و مدیریت در آموزش عالی، تحصیلات تخصصی حداقل در سطح دکترا در یکی از رشته تحصیلی مدیریت آموزشی، مدیریت دولتی، مدیریت استراتژیک و روانشناسی، سابقه تدریس دروس تخصصی در تحصیلات تکمیلی در رشته‌های علوم تربیتی، آموزش عالی مشابه و تسلط به موضوعات مدیریت آموزشی بوده است. برای گردآوری داده‌ها در مرحله کیفی از مصاحبه نیمه ساختاریافته استفاده شده است. زمان هر مصاحبه بیشتر از ۶۰ دقیقه به طول انجامید و با طرح پرسش‌هایی باز- پاسخ، اطلاعات موردنظر جمع‌آوری شده است. همچنین برای انجام برداشت‌های دقیق‌تر از دیدگاه‌های مطرح‌شده توسط مشارکت‌کنندگان، مصاحبه‌ها پس از ضبط شدن بلافاصله مورد تجزیه و تحلیل اولیه قرار گرفته و گفتگوها مرور گردید. داده‌های کیفی جمع‌آوری شده با استفاده از روش نظریه پردازی داده بنیاد، مفاهیم، مقوله‌ها و عوامل اصلی و فرعی شناسایی و مورد تحلیل قرار گرفته است. جهت اخذ تأمین اعتبار در مرحله کیفی از درگیری طولانی مدت و مشاهده مداوم و بازبینی توسط مشارکت‌کنندگان استفاده شده است و برای افزایش قابلیت تأیید در این تحقیق، محقق به بررسی داده‌های خام، تفسیرها و پیشنهادها و یافته‌ها به‌طور دقیق پرداخته است. محقق پس از تحلیل، داده‌های خود را به سه نفر از متخصصان ارائه داده است و با اندکی اصلاحات تأیید شده است و بر این اساس پایایی ابزار استفاده‌شده در مطالعه کیفی مورد تأیید قرار گرفت. سپس بر مبنای یافته‌های کیفی و ارائه‌ی مدل متناسب با موضوع تحقیق، نسبت به ساخت ابزار موردنظر اقدام نموده است.

جامعه آماری در بخش کمی اعضای هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی مشهد به تعداد ۴۶۰ نفر بودند که با استفاده از روش تصادفی طبقه‌ای متناسب با حجم و با استفاده از فرمول کوکران تعداد ۱۹۰ نفر به عنوان نمونه انتخاب شدند. جهت روایی یا اعتبار سنجی مدلی که در مرحله کیفی به دست آمده است روایی صوری و محتوا توسط اساتید و متخصصان اخذ گردید. اعتبار سنجی با معادلات ساختاری (روایی تحلیل عاملی) اخذ نیز انجام شده است. جهت پایایی نیز با استفاده از آزمون آلفای کرونباخ، ضریب پایایی هر مقوله به دست آمده است. ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شده با استفاده از نرم افزار آماری SPSS برای نمونه مقدماتی، در کلیه شاخص‌ها بالای ۷۰ صدم بوده است، لذا می‌توان گفت که پرسشنامه از اعتبار بالا و قابل قبولی برخوردار است و نشان‌دهنده قابلیت اعتماد بالای مؤلفه‌های موردبررسی هست. لازم به ذکر است که میزان آلفای

آن‌ها از جنبه کمی بررسی شده و تنها تأثیر چند متغیر را بر حکمت سازمانی سنجیده‌اند. علاوه بر این، در تحقیقات گذشته به عوامل مؤثر بر ضرورت حکمی سازی پرداخته نشده است. لذا مطالعه‌ای متفاوت نسبت به تحقیقات گذشته انجام شد، به‌طوری‌که نتایج این مطالعه می‌تواند در برنامه‌ریزی‌های موردنظر برای توسعه آموزش عالی و حرکت به سمت دانش‌افزایی در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی موردتوجه قرار گیرد؛ بنابراین در نظر گرفتن دیدگاه‌ها و آشنایی با آن‌ها و سپس انجام یک تحقیق جامع، اهمیت تحقیق را دوچندان کرده است که می‌تواند راهنمای جامع و کاملی از حکمت به‌طور کلی و حکمی سازی به‌طور خاص برای همه افراد بخصوص مدیران در نظام آموزش عالی کشور باشد.

همچنین عدم فراوانی پژوهش‌های انجام‌شده در این زمینه کاملاً مشهود است. علیرغم جستجوهای فراوان، دسته‌بندی جامعی در خصوص طراحی مدل حکمی سازی در نظام آموزش عالی یافت نشد. با این وجود دانش موجود در حوزه مدل حکمی سازی در نظام آموزش عالی بسیار محدود است و نیاز به اطلاعاتی دست‌اول از طریق افرادی که آن را تجربه کرده‌اند ضروری به نظر می‌رسد؛ بنابراین در این مطالعه سعی می‌شود تا با بهره‌گیری از رویکرد داده بنیاد مدل حکمی سازی در نظام آموزش عالی طراحی و اعتبار سنجی گردد.

روش‌شناسی پژوهش

با توجه به موضوع و ماهیت این پژوهش مبتنی بر طراحی و ارائه مدل، رویکرد پژوهش آمیخته است. روش تحقیق آمیخته اکتشافی با رویکرد متوالی است. چنانچه به ترتیب از دو روش کیفی (تئوری داده بنیاد) و کمی (پیمایشی) استفاده شد. بر این اساس در پژوهش حاضر، به‌منظور طراحی مدل حکمی سازی در نظام آموزش عالی و اعتبار سنجی آن با رویکرد نظریه پردازی داده بنیاد از روش کیفی استفاده شده است و در مرحله اعتبارسنجی، کمی با روش پیمایشی استفاده شد که از آزمون تحلیل عاملی تأییدی مرتبه اول و دوم، سازه اصلی و روابط مقوله‌ها و مؤلفه‌ها ارزیابی گردید. جامعه آماری پژوهش شامل دو جامعه آماری در دو مرحله اصلی پژوهش بود. جامعه آماری در بخش کیفی، شامل ۱۲ نفر از خبرگان، صاحبان نظران و تصمیم‌گیران نظام آموزش عالی و اساتید حوزه‌ی مدیریت آموزشی بودند که طی فرایندی هدفمند و به روش گلوله برفی به‌منظور مشارکت در پژوهش انتخاب شدند. معیارهای ورود به مطالعه در این مرحله شامل: سابقه کار در رده‌های

است. در ادامه محقق، به منظور اینکه کدهای اولیه یا باز را در یک دسته‌بندی قرار دهد، مؤلفه‌های مرتبط با آن‌ها را شناسایی کرده و به صورت ابعاد تدوین نموده است که در ذیل به نتایج نهایی آن اشاره شده است:

جدول ۱ - کدها و طبقه‌های حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها در مرحله کدگذاری انتخابی

کدگذاری نظری	کدگذاری باز و کدگذاری انتخابی
مقوله	طبقه
عوامل علی	عوامل فردی
	عوامل بین فردی
	عوامل سازمانی
محوری	دانش عملی
	دانش هوشمندانه
	تفکر خردمندانه
استراتژی	استراتژی جامع علمی کشور
	استراتژی رهبری تحول‌گرا
	استراتژی حکمت رفتارگرا
	استراتژی جهاد تبیین
پیامدها	بهبود عملکرد نظام آموزش
	تحقق فضایل اخلاقی
زمینه	عوامل فرهنگی
	عوامل ساختاری
مداخله‌گرها	محیط خرد
	محیط کلان

بر اساس داده‌های مصاحبه، در نهایت مفاهیم شناسایی شده در مدل حکمی سازی در نظام آموزش عالی کشور در ۶ مقوله اصلی دسته‌بندی شده است. مقوله عوامل علی شامل ۳ مؤلفه عوامل فردی، بین فردی و سازمانی است. مقوله محوری (حکمی سازی) شامل ۳ مؤلفه دانش عملی، دانش هوشمندانه و تفکر خردمندانه است. مقوله استراتژی‌ها شامل ۴ مؤلفه استراتژی جامع علمی کشور، استراتژی رهبری تحول‌گرا، استراتژی حکمت رفتارگرا و استراتژی جهاد تبیین است. مقوله پیامدها شامل ۲ مؤلفه بهبود عملکرد نظام آموزش و تحقق فضایل اخلاقی هست. مقوله زمینه خدمات شامل ۲ مؤلفه عوامل فرهنگی و عوامل ساختاری است. در نهایت مقوله مداخله‌گرها شامل ۲ مؤلفه محیط خرد و محیط کلان است.

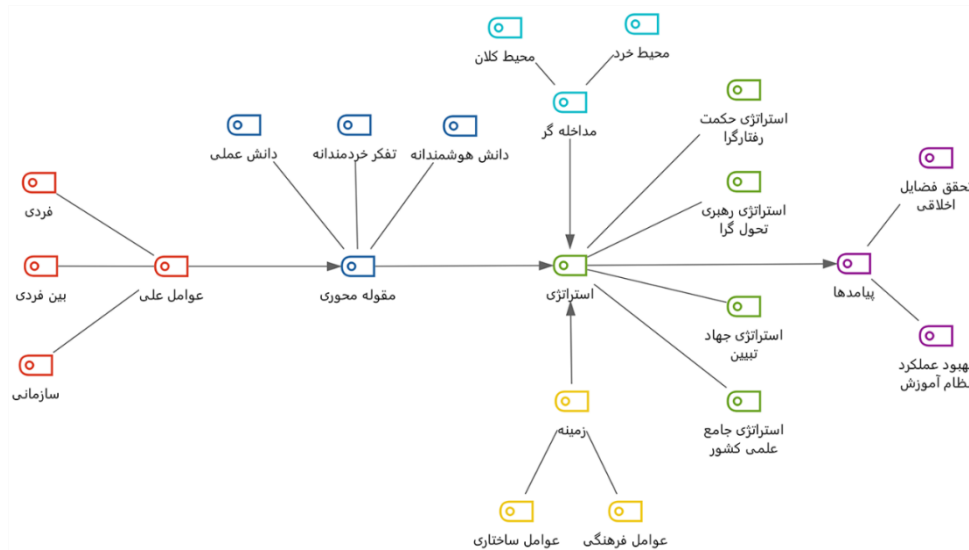
لذا بر مبنای یافته‌های مرحله کیفی پژوهش، مدل مناسب حکمی سازی در نظام آموزش عالی کشور در شکل ذیل نشان داده شده است:

به دست آمده حاکی از قابلیت اطمینان پرسشنامه و همسانی درونی گویه‌های آن بود.

در نهایت برای تحلیل داده‌های این پژوهش در مرحله پژوهش کیفی از تجزیه و تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها با استفاده از روش کدگذاری از نرم‌افزار مکس کیودا استفاده شد که در آن مقوله‌ها، مؤلفه‌ها به صورت کدگذاری باز و محوری دسته‌بندی شدند. در مرحله کیفی ابتدا جلسات مصاحبه توسط پژوهشگر با خبرگان انجام گرفته است و با توجه به نظریه پردازی داده بنیاد با رویکرد اشتراوس و کوربین، عوامل، زمینه، راهبردها، مداخله‌گرها و پیامدهای مربوط به حکمی سازی در نظام آموزش عالی از نظر خبرگان استخراج شده است. طرح اصلی برای تدوین نظریه برخاسته از داده‌ها در این پژوهش، طرح نظام‌منداست. در بخش کمی نیز به منظور تجزیه و تحلیل داده‌های به دست آمده در این تحقیق در این مرحله از ابزار پرسشنامه جمع‌آوری شده، از روش‌های آماری توصیفی و استنباطی استفاده گردید. در قسمت آمار توصیفی، جدول‌های توزیع فراوانی مربوط به هر یک از سؤالات استفاده شد و برای نشان دادن داده‌های آماری سؤالات عمومی، به صورت منسجم از نمودار ستونی استفاده گردید. در سطح استنباطی برای پاسخ گویی به سؤالات تحقیق از آزمون‌های مربوط به تکنیک دلفی از جمله آزمون تی، کولموگروف اسمیرنوف و کروسکال والیس استفاده شده است. در مرحله کمی و تحلیل بخشی از نظریه پردازی داده بنیاد از نرم‌افزار SPSS استفاده شده است. ابزار تحقیق در بخش کمی پرسشنامه محقق ساخته هست که شامل ۶ مقوله، ۱۶ مؤلفه و ۱۱۶ گویه بود.

یافته‌های پژوهش

با توجه به اینکه این تحقیق به صورت آمیخته هست در قسمت اول، داده‌هایی که از تحلیل مصاحبه‌ها استخراج شده است مورد بررسی قرار گرفته سپس در بخش کمی مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد. در این تحقیق با شروع انجام مصاحبه‌ها و در خلال آن گزاره‌های معنادار و سپس مفاهیم مربوط به آن‌ها مشخص شد و بعد از آن، مفاهیم در مقوله‌ها، بسته شدند. نظریه زمینه‌ای در این پژوهش برای فرایند تحلیل داده‌ها و نیز ارائه‌ی نظریه مبتنی بر داده‌ها که از آن استفاده شده، برگرفته از داده‌هایی است که در طی فرایند پژوهش به صورت نظام‌مند گردآوری و تحلیل شده است. در این روش گردآوری داده‌ها، تحلیل و نظریه‌های نهایی به هم در ارتباط تنگاتنگ‌اند. در نهایت از بین داده‌های مصاحبه به دست آمده ۲۹۸ کد باز یا شاخص اولیه مربوط به مدل حکمی سازی در نظام آموزش عالی استخراج شده



شکل ۱- مدل حکمی سازی در نظام آموزش عالی در کشور با نرم افزار مکس کیودا

انعکاسی، باید آزمون همگن بودن به جهت تک جنسی کردن یا تک بعدی کردن سؤالات یک متغیر انجام گیرد. آزمون پیش از مدل سازی معادله ساختاری به منظور آزمون فرضیات تحقیق، لازم است اعتبار ابزار سنجش پژوهش از طریق تکنیک تحلیل عاملی تأییدی تأیید شود که در جدول ۲- نتایج تحلیل عاملی تأییدی برای گویه های پرسشنامه بیان شده است: مدل پژوهش با توجه به شاخص های اندازه گیری کننده ی متغیرها باید در نمونه های دیگری از همان جامعه نیز برآوردهای مشابهی را ارائه دهد؛ بنابراین در مدل اندازه گیری انعکاسی اصلاح شده، آزمون های متفاوتی برای پایایی مدل انجام می گیرد. آزمون آلفای کرونباخ، همبستگی درونی سؤالات یک متغیر خارج از مدل و ضریب پایایی ترکیبی، همبستگی درونی سؤالات یک متغیر را داخل مدل نشان می دهد. مطابق با نظر فورنل و لارکر (۱۹۸۶) ضریب آلفای کرونباخ باید بالای ۰.۷ باشد که نتایج جدول ۳- نشان داد این ضریب رعایت گردیده است.

در ادامه به منظور تجزیه و تحلیل داده های تحقیق، از روش دوم مرحله ای برای الگو یابی به روش حداقل مربعات جزئی استفاده شده است. مرحله اول شامل تعیین مدل اندازه گیری از طریق پایایی و روایی است و مرحله دوم شامل تعیین مدل ساختاری از طریق تحلیل شاخص های برازندگی، ضرایب تعیین و تحلیل مسیر است. در مرحله اول از برآورد روایی و پایایی به منظور بررسی مدل اندازه گیری استفاده می شود که روش های تأییدی هماهنگی داده ها با یک ساختار عاملی معین را بررسی می نمایند. درواقع، تحلیل عاملی تأییدی شایستگی گویه هایی که برای معرفی متغیرها برگزیده شده اند را بررسی می کند. در مرحله دوم از تحلیل مسیر شاخص های برازش مدل و ضریب تعیین جهت بررسی مدل ساختاری استفاده می شود. از آنجاکه مدل اندازه گیری تحقیق از نوع انعکاسی هست آزمون ها برای تحقیق، انعکاسی انتخاب می گردد. مطابق با مطالعات هیرا (۲۰۱۰) پیش از انجام هر آزمونی در مدل های اندازه گیری

جدول ۲- نتایج تحلیل عاملی تأییدی برای گویه های پرسشنامه

مقوله	مؤلفه	گویه	بار عاملی	آماره	کشیدگی	چولگی
عوامل علی	فردی		۰.۷۶۲	۱۶.۸۷۹	۵.۹۶۸	۱.۴۹۷-
			۰.۷۰۸	۴.۶۹۶	۰.۳۳۴-	۰.۰۸۲-
			۰.۸۴۷	۱۰.۱۴۲	۰.۴۵۴-	۰.۰۸۳-
			۰.۸۳۳	۹.۵۹۰	۰.۴۳۰-	۰.۲۷۳-
			۰.۸۵۶	۱۲.۲۳۳	۱.۰۳۸-	۰.۰۲۳
			۰.۷۸۸	۵.۷۸۶	۱.۳۲۲-	۰.۰۳۰-

مقوله	مؤلفه	گویه	بار عاملی	آماره	کشیدگی	چولگی
مقوله محوری	بین فردی		۰.۶۵۰	۳.۷۰۳	۰.۷۵۱-	۰.۰۲۹-
			۰.۶۹۶	۷.۵۱۶	۱.۰۱۱-	۰.۱۳۷-
			۰.۸۰۰	۱۲.۰۹۳	۱.۱۱۷-	۰.۲۱۰-
			۰.۷۲۵	۱۱.۱۵۸	۰.۸۷۵	۰.۸۷۸-
			۰.۸۱۵	۸.۷۰۷	۰.۷۷۸-	۰.۰۲۱
			۰.۸۳۸	۱۳.۴۲۲	۱.۲۱۱-	۰.۲۶۷-
			۰.۸۰۱	۷.۶۵۶	۰.۵۶۷-	۰.۱۹۸-
			۰.۷۶۷	۷.۳۳۹	۰.۶۵۲-	۰.۱۱۱-
	سازمانی		۰.۸۱۶	۶.۴۳۴	۰.۷۰۰	۰.۷۱۵-
			۰.۷۴۲	۶.۰۷۲	۰.۶۶۸	۰.۴۹۵-
			۰.۸۱۶	۷.۹۶۳	۰.۹۳۷-	۰.۱۹۸-
			۰.۸۳۹	۷.۰۹۲	۱.۱۳۲-	۰.۲۸۸-
			۰.۷۹۱	۶.۸۸۲	۰.۳۸۹-	۰.۳۳۰-
			۰.۷۸۷	۴.۹۰۴	۰.۴۱۷-	۰.۷۰۷-
			۰.۷۹۵	۴.۹۷۷	۰.۴۰۲-	۰.۶۰۲-
			۰.۷۳۰	۵.۳۴۲	۰.۴۱۳-	۰.۵۵۴-
			۰.۷۸۹	۵.۴۸۱	۰.۷۹۲-	۰.۱۷۵-
			۰.۷۶۰	۶.۶۵۵	۰.۱۰۳	۰.۴۴۷-
	دانش عملی		۰.۶۴۸	۲.۷۳۰	۰.۵۹۲-	۰.۲۶۰-
			۰.۷۰۴	۴.۱۴۳	۰.۶۰۵-	۰.۳۱۶-
			۰.۷۶۷	۴.۵۵۴	۰.۵۳۵-	۰.۲۱۹-
			۰.۸۱۷	۷.۵۷۴	۱.۷۸۹	۱.۰۴۰-
			۰.۹۰۴	۱۴.۵۰۰	۵.۹۹۵	۲.۰۴۹-
			۰.۸۵۰	۳۵.۳۲۹	۳.۳۲۳	۱.۲۸۹-
	دانش هوشمندانه		۰.۸۱۴	۸.۵۹۴	۰.۶۷۹-	۰.۳۴۵-
			۰.۷۸۱	۹.۵۶۷	۰.۴۳۵	۰.۷۴۷-
			۰.۷۸۸	۵.۶۰۸	۰.۳۷۹-	۰.۰۵۷-
			۰.۷۷۰	۴.۴۷۹	۰.۶۴۲-	۰.۱۷۳-
			۰.۷۳۶	۵.۲۲۳	۰.۶۱۵-	۰.۳۴۰-
			۰.۸۲۲	۷.۶۷۷	۰.۶۵۰-	۰.۴۳۷-
			۰.۷۷۱	۵.۳۹۱	۰.۵۱۳-	۰.۶۲۶-
			۰.۸۲۹	۶.۶۰۴	۰.۰۲۹	۱.۰۱۷-
			۰.۷۲۳	۶.۴۷۹	۱.۰۰۹	۰.۸۲۵-
	تفکر خردمندانه		۰.۷۱۹	۴.۰۶۱	۲.۲۶۸	۰.۸۲۳-
			۰.۶۶۶	۲.۴۰۹	۰.۶۶۸-	۰.۳۷۶-
			۰.۷۹۳	۵.۳۹۶	۰.۶۴۸-	۰.۲۰۰-
			۰.۷۷۴	۳.۷۷۰	۱.۰۷۵	۱.۰۰۲-
			۰.۸۰۵	۴.۵۴۹	۰.۰۱۴-	۱.۰۹۷-
			۰.۸۲۰	۵.۲۹۰	۰.۳۴۱-	۰.۸۰۷-
			۰.۸۲۹	۴.۷۹۴	۰.۵۷۳-	۰.۵۶۱-
			۰.۷۸۹	۶.۴۱۱	۰.۵۰۵-	۰.۱۹۳-

مقوله	مؤلفه	گویه	بار عاملی	آماره	کشیدگی	چولگی
استراتژی‌ها	استراتژی جامع علمی کشور		۰.۸۰۰	۵.۴۴۶	۰.۵۵۸-	۰.۵۶۶-
			۰.۷۹۱	۴.۲۸۱	۰.۶۴۳-	۰.۵۹۰-
			۰.۸۳۵	۵.۵۰۵	۰.۶۷۵-	۰.۳۱۷-
			۰.۸۸۰	۸.۷۶۴	۰.۳۴۱	۱.۱۳۳-
			۰.۸۹۸	۷.۴۳۵	۲.۲۴۵	۱.۲۹۰-
			۰.۸۵۹	۶.۶۴۳	۱.۰۳۹	۰.۹۵۵-
	استراتژی رهبری تحول‌گرا		۰.۸۲۸	۴.۸۵۰	۰.۴۸۲-	۰.۷۸۹-
			۰.۷۵۲	۳.۲۰۵	۰.۴۵۷-	۰.۶۸۷-
			۰.۸۱۰	۶.۲۱۱	۰.۶۱۸-	۰.۴۹۸-
			۰.۷۹۳	۴.۰۶۱	۰.۶۸۱-	۰.۴۱۹-
			۰.۸۰۱	۵.۴۰۲	۰.۵۵۸-	۰.۵۶۶-
			۰.۷۸۵	۷.۲۳۴	۰.۵۷۱-	۰.۲۳۲-
	استراتژی حکمت رفتارگرا		۰.۸۵۰	۶.۰۴۸	۰.۸۴۴-	۰.۶۴۳-
			۰.۸۵۶	۶.۶۹۹	۰.۹۴۷-	۰.۵۶۷-
			۰.۸۲۸	۴.۸۲۴	۰.۳۸۸-	۰.۷۴۹-
			۰.۷۸۱	۴.۷۰۵	۲.۳۰۷	۱.۵۰۳-
			۰.۷۷۶	۳.۹۰۰	۰.۸۰۸-	۰.۳۸۸-
			۰.۷۳۰	۴.۳۳۴	۱.۲۴۱-	۰.۱۴۳-
	استراتژی جهاد تبیین		۰.۸۲۲	۵.۲۶۰	۰.۱۵۱	۱.۰۴۹-
			۰.۷۰۴	۳.۴۹۰	۴.۶۶۰	۱.۷۲۴-
			۰.۷۷۹	۴.۹۲۳	۵.۳۰۸	۱.۵۳۸-
			۰.۸۰۳	۶.۱۱۰	۱.۱۲۵	۱.۰۵۱-
			۰.۸۲۴	۲۰.۹۶۵	۰.۸۷۸	۱.۳۷۳-
			۰.۷۶۹	۵.۴۴۸	۰.۸۰۸-	۰.۳۸۸-
			۰.۸۰۸	۵.۴۹۶	۰.۱۳۵	۱.۰۴۶-
			۰.۷۶۲	۳.۷۷۲	۰.۸۴۵	۱.۰۶۱-
پیامدها	بهبود عملکرد نظام آموزش		۰.۸۸۲	۱۰.۱۲۹	۰.۰۴۶-	۰.۹۶۳-
			۰.۸۲۷	۵.۹۷۲	۰.۰۴۶-	۰.۹۶۳-
			۰.۷۵۴	۴.۱۰۹	۲.۷۹۳	۱.۳۱۹-
			۰.۷۹۵	۵.۵۷۲	۰.۸۰۸-	۰.۳۸۸-
			۰.۷۵۸	۵.۹۱۲	۰.۵۹۱-	۰.۲۸۹-
			۰.۸۸۲	۱۲.۴۱۹	۰.۵۳۹	۱.۲۶۴-
	تحقق فضایل اخلاقی		۰.۸۴۶	۳۳.۸۷۶	۰.۶۷۴-	۰.۵۱۹-
			۰.۸۲۴	۱۰.۸۹۲	۰.۰۲۹	۱.۰۱۷-
			۰.۸۶۳	۱۳.۶۵۶	۰.۷۹۹-	۰.۴۱۶-
			۰.۸۳۴	۱۰.۲۸۵	۰.۶۴۱-	۰.۴۶۴-
			۰.۸۵۲	۸.۲۴۸	۰.۰۵۳	۱.۰۹۲-
			۰.۶۹۸	۵.۴۹۹	۱.۳۷۳	۰.۸۲۶-
			۰.۸۷۹	۱۰.۷۳۸	۰.۸۳۲-	۰.۳۵۲-
			۰.۸۱۰	۱۱.۶۹۴	۲.۳۲۵	۱.۶۱۴-
			۰.۷۸۲	۶.۵۷۹	۰.۴۸۲-	۰.۱۷۲-

مقوله	مؤلفه	گویه	بار عاملی	آماره	کشیدگی	چولگی
زمینه	عوامل فرهنگی		۰.۷۷۰	۵.۰۱۴	۰.۷۹۹-	۰.۴۱۶-
			۰.۸۱۶	۱۰.۲۲۹	۰.۵۷۷-	۰.۵۳۴-
			۰.۸۷۲	۱۰.۱۴۴	۰.۶۸۴-	۰.۷۴۹-
			۰.۷۴۴	۴.۷۳۱	۰.۴۱۴-	۰.۷۱۷-
			۰.۷۵۱	۶.۲۷۴	۱.۸۰۱	۰.۷۹۸-
			۰.۷۹۷	۵.۸۸۲	۰.۰۹۳-	۰.۹۲۵-
			۰.۸۲۴	۱۶.۶۷۱	۵.۴۵۱	۱.۷۶۰-
			۰.۸۴۰	۱۳.۰۱۰	۹.۶۸۹	۲.۶۱۴-
			۰.۸۲۶	۵.۲۰۶	۰.۹۵۸	۱.۳۹۹-
			۰.۸۱۱	۹.۹۷۲	۰.۸۰۳-	۰.۰۴۰-
عوامل ساختاری	عوامل ساختاری		۰.۸۰۵	۴.۳۵۰	۰.۳۱۲	۱.۱۸۸-
			۰.۸۷۲	۴۱.۴۵۷	۱.۳۸۹	۰.۹۵۸-
			۰.۸۹۵	۱۷.۱۹۰	۰.۰۴۷	۰.۹۹۸-
			۰.۸۹۰	۱۲.۷۵۴	۱.۰۸۴-	۰.۴۵۰-
			۰.۸۳۹	۷.۰۳۲	۰.۵۰۳-	۰.۶۸۷-
مداخله‌گرها	محیط خرد		۰.۸۲۱	۷.۷۷۰	۰.۵۱۳-	۰.۱۵۶-
			۰.۷۷۸	۷.۶۹۹	۱.۰۱۲	۰.۸۴۵-
			۰.۷۹۳	۷.۳۱۸	۱.۷۸۹	۱.۱۷۷-
			۰.۸۶۵	۱۱.۵۲۳	۰.۳۲۲-	۰.۷۸۴-
			۰.۸۱۳	۷.۸۷۴	۱.۳۱۳	۱.۱۷۸-
			۰.۷۹۶	۱۰.۵۳۷	۰.۶۷۷-	۰.۴۴۵-
			۰.۸۵۶	۲۵.۴۵۳	۱.۱۴۵-	۰.۳۸۰-
			۰.۸۱۸	۷.۰۴۲	۰.۸۳۵-	۰.۱۰۲-
			۰.۸۵۶	۵.۵۰۴	۱.۸۳۴	۱.۰۲۷-
			۰.۸۲۱	۵.۲۹۲	۰.۶۴۱-	۰.۴۶۴-
محیط کلان	محیط کلان		۰.۸۴۹	۵.۹۰۰	۱.۷۶۹	۰.۹۲۹-
			۰.۸۰۲	۴.۴۷۶	۰.۶۴۱-	۰.۴۶۴-
			۰.۸۴۸	۵.۳۷۲	۰.۱۶۵-	۰.۹۰۵-

جدول ۳- نتایج پایایی به دست آمده برای مدل تحقیق

ردیف	مؤلفه‌های تحقیق	آلفای کرونباخ	پایایی ترکیبی
۱	بین فردی	۰.۸۴۹	۰.۸۹۲
۲	سازمانی	۰.۹۳۲	۰.۹۴۲
۳	فردی	۰.۹۱۸	۰.۹۳۰
۴	تفکر خردمندانه	۰.۹۲۳	۰.۹۳۶
۵	دانش عملی	۰.۸۸۰	۰.۹۰۶
۶	دانش هوشمندانه	۰.۹۲۷	۰.۹۳۸
۷	استراتژی جامع علمی کشور	۰.۹۱۲	۰.۹۳۴
۸	استراتژی جهاد تبیین	۰.۹۱۳	۰.۹۲۸
۹	استراتژی حکمت رفتارگرا	۰.۸۹۱	۰.۹۱۷
۱۰	استراتژی رهبری تحول‌گرا	۰.۸۴۸	۰.۸۹۱

ردیف	مؤلفه‌های تحقیق	آلفای کرونباخ	پایایی ترکیبی
۱۱	بهبود عملکرد نظام آموزش	۰.۹۲۱	۰.۹۳۶
۱۲	تحقق فضایل اخلاقی	۰.۹۳۶	۰.۹۴۶
۱۳	عوامل ساختاری	۰.۹۱۵	۰.۹۳۵
۱۴	عوامل فرهنگی	۰.۹۳۴	۰.۹۴۵
۱۵	محیط خرد	۰.۹۳۰	۰.۹۴۲
۱۶	محیط کلان	۰.۸۹۲	۰.۹۲۰

نتایج جدول فوق نشان می‌دهد آلفای کرونباخ کلیه متغیرهای تحقیق از ۰.۷ بیشتر هست.

در ادامه به‌منظور تناسب و اعتباربخشی مدل تحقیق، لازم است از روایی همگرا و واگرا و یا همان وجوه اعتبار افتراقی آن‌ها اطمینان کسب کرد که میزان همبستگی بین هر دو مورد از آن‌ها به‌صورت دوجه‌دو، کمتر از عدد ۰.۹ است و بر اساس آن عدم همپوشانی بین ابعاد متغیرهای تحقیق در قالب اعتبار افتراقی نیز تأیید می‌شود که در نتیجه آن اعتبار سازه مدل مورد تأیید واقع می‌شود. این آزمون توسط هنسeler^۱ و همکاران (۲۰۰۹) برای روایی همگرا پیشنهاد شد و بیان شد که در هر متغیر AVE باید بزرگ‌تر از ۰.۵ باشد.

جدول ۴- نتایج آزمون میانگین واریانس استخراجی را نشان می‌دهد.

همچنین در ادامه از آنجایی که PLS شاخص‌های برازش قابل اطمینانی ندارد به‌جای سنجش برازش معمولاً در مطالعات کیفیت مدل بررسی می‌شود. این آزمون بررسی می‌کند سؤالات هر متغیر باکیفیت مناسبی متغیرهای خود را اندازه می‌گیرد. برای انجام این آزمون از آزمون روایی متقاطع شاخص اشتراکی استفاده می‌شود. آزمون روایی متقاطع شاخص اشتراکی با سه عدد ۰.۰۲، ۰.۱۵ و ۰.۳۵ سنجیده می‌شود. اعداد نشان داد که کیفیت مدل اندازه‌گیری برای تک‌تک متغیرها در حد متوسط و قوی است.

جدول ۴- نتایج آزمون میانگین واریانس استخراجی

ردیف	مؤلفه‌های تحقیق	آزمون میانگین واریانس استخراجی
۱	بین فردی	۰.۶۲۴
۲	سازمانی	۰.۶۲۰
۳	فردی	۰.۵۹۹
۴	تفکر خردمندانه	۰.۶۱۹
۵	دانش عملی	۰.۶۱۹
۶	دانش هوشمندانه	۰.۶۰۳
۷	استراتژی جامع علمی کشور	۰.۷۴۰
۸	استراتژی جهاد تبیین	۰.۶۱۶
۹	استراتژی حکمت رفتارگرا	۰.۶۴۸
۱۰	استراتژی رهبری تحول‌گرا	۰.۶۲۲
۱۱	بهبود عملکرد نظام آموزش	۰.۶۷۶
۱۲	تحقق فضایل اخلاقی	۰.۶۶۳
۱۳	عوامل ساختاری	۰.۷۴۱
۱۴	عوامل فرهنگی	۰.۶۵۶
۱۵	محیط خرد	۰.۶۶۹
۱۶	محیط کلان	۰.۶۹۸

جدول ۵- آزمون روایی متقاطع شاخص اشتراکی

	SSO	SSE	$Q^2 (=1-SSE/SSO)$
بین فردی	۳۱۵	۱۸۸.۵۶	۰.۴۰۱
سازمانی	۶۳۰	۳۲۵.۲۸۱	۰.۴۸۴
فردی	۵۶۷	۳۰۵.۶۹۸	۰.۴۶۱
تفکر خردمندانه	۵۶۷	۳۰۸.۶۵۵	۰.۴۵۶
دانش عملی	۳۷۸	۲۱۴.۸۴۷	۰.۴۳۲
دانش هوشمندانه	۶۳۰	۳۴۴.۰۹۳	۰.۴۵۴
استراتژی جامع علمی کشور	۳۱۵	۱۴۳.۰۱	۰.۵۴۶
استراتژی جهاد تبیین	۵۰۴	۲۷۷.۶۴	۰.۴۴۹
استراتژی حکمت رفتارگرا	۳۷۸	۲۱۱.۳۶۱	۰.۴۴۱
استراتژی رهبری تحول گرا	۳۱۵	۱۹۷.۰۱۶	۰.۳۷۵
بهبود عملکرد نظام آموزش	۴۴۱	۲۱۷.۵۷۳	۰.۵۰۷
تحقق فضایل اخلاقی	۵۶۷	۲۸۰.۶۲۸	۰.۵۰۵
عوامل ساختاری	۳۱۵	۱۴۰.۳۴۰	۰.۵۵۴
عوامل فرهنگی	۵۶۷	۲۸۰.۶۸۸	۰.۵۰۵
محیط خرد	۵۰۴	۲۴۱.۰۰۹	۰.۵۲۲
محیط کلان	۳۱۵	۱۶۲.۴۶۵	۰.۴۸۴

بحث

نتایج نشان داد که مدل حکمی سازی در نظام آموزش عالی کشور در ۶ مقوله اصلی دسته‌بندی شده است. مقوله عوامل علی شامل ۳ مؤلفه عوامل فردی، بین فردی و سازمانی است. مقوله محوری (حکمی سازی) شامل ۳ مؤلفه دانش عملی، دانش هوشمندانه و تفکر خردمندانه است. مقوله استراتژی‌ها شامل ۴ مؤلفه استراتژی جامع علمی کشور، استراتژی رهبری تحول گرا، استراتژی حکمت رفتارگرا و استراتژی جهاد تبیین است. مقوله پیامدها شامل ۲ مؤلفه بهبود عملکرد نظام آموزش و تحقق فضایل اخلاقی هست. مقوله زمینه خدمات شامل ۲ مؤلفه عوامل فرهنگی و عوامل ساختاری است. در نهایت مقوله مداخله‌گرها شامل ۲ مؤلفه محیط خرد و محیط کلان است.

عوامل علی در این پژوهش شامل شرایطی است که باعث می‌گردد حکمی سازی در نظام آموزش عالی کشور اتفاق بیفتد که شامل سه مؤلفه عوامل فردی، بین فردی و سازمانی هست. عوامل فردی در حکمی‌سازی نظام آموزش عالی به ویژگی‌ها، توانایی‌ها و تجربیات افرادی اشاره دارد که در تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌گذاری‌های آموزشی نقش دارند. این عوامل ممکن است شامل دانش، مهارت‌ها، نگرش‌ها، تمایلات شغلی و تجارب گذشته افراد باشند. به‌طور خاص، این عوامل می‌توانند بر نحوه اجرای برنامه‌های آموزشی، توسعه منابع انسانی و شکل‌گیری فرهنگ سازمانی سیستم آموزشی تأثیر بگذارند. همچنین عوامل

بین فردی در حکمی‌سازی نظام آموزش عالی به تعاملات، ارتباطات و روابط میان افراد و گروه‌های مختلف در جامعه آموزش عالی اشاره دارد. این عوامل شامل همکاری‌ها، ارتباطات رسمی و غیررسمی، فرهنگ تیمی و همچنین نظرات و تأثیرات متقابل میان افراد و نهادهای مختلف هستند. در نهایت عوامل سازمانی در حکمی‌سازی نظام آموزش عالی به ساختارها، رویه‌ها، فرهنگ‌ها و منابع موجود در سازمان‌های آموزشی اشاره دارد. این عوامل شامل سیاست‌های مدیریتی، فرآیندهای آموزشی و اداری، منابع مالی، فناوری اطلاعات و زیرساخت‌های سازمانی هستند.

مقوله محوری، مقوله‌ای است که دغدغه‌ی اصلی مشارکت‌کنندگان را پیرامون مسئله پژوهش (حکمی سازی) نشان می‌دهد که در این پژوهش شامل سه مؤلفه دانش عملی، دانش هوشمندانه و تفکر خردمندانه است. مؤلفه دانش عملی در حکمی‌سازی نظام آموزش عالی به توانایی‌ها و مهارت‌های کاربردی اشاره دارد که در پیاده‌سازی تئوری‌ها و مفاهیم آموخته‌شده در دنیای واقعی به کار می‌روند. این مؤلفه شامل تجربیات عملی، تمرینات میدانی و پروژه‌های واقعی است که به دانشجویان کمک می‌کند تا مواد آموزشی را به‌طور مؤثر در شرایط عملی و محیط‌های کاری مورداستفاده قرار دهند. دانش هوشمندانه در حکمی‌سازی نظام آموزش عالی به توانایی در جمع‌آوری، تجزیه و تحلیل و به‌کارگیری اطلاعات به‌منظور

انتقال دانش و اطلاعات صحیح و ارتقاء فهم عمومی از کارکردها و ارزش های نظام آموزش عالی تأکید دارد.

پیامدها بر اساس به کارگیری استراتژی های حکمی سازی در نظام آموزش عالی ایجاد می شوند. مقوله پیامدها شامل دو مؤلفه بهبود عملکرد نظام آموزش و تحقق فضایل اخلاقی است. مؤلفه بهبود عملکرد آموزش در حکمی سازی نظام آموزش عالی به مجموعه ای از اقدامات، سیاست ها و استراتژی ها اشاره دارد که هدف آن ارتقاء کیفیت و کارایی فرآیندهای آموزشی، یادگیری و تأثیرگذاری بر نتایج تحصیلی دانشجویان است. این مؤلفه شامل شناسایی نقاط قوت و ضعف نظام آموزشی، طراحی برنامه های آموزشی مبتنی بر نیازهای واقعی و به کارگیری روش های نوین تدریس و یادگیری می شود. تحقق فضایل اخلاقی در حکمی سازی نظام آموزش عالی به معنای اعمال و پیاده سازی الگوهای رفتاری مثبت و اخلاقی در ساختارها، فرآیندها و فرهنگ سازمان های آموزشی است. این فرآیند شامل شناسایی، ترویج و تقویت ارزش ها و اصول اخلاقی در بین تمام ذینفعان دانشگاه، از جمله دانشجویان، اعضای هیئت علمی و کارکنان هست تا یک محیط یادگیری سالم و اخلاق مدار ایجاد شود.

منظور از زمینه در این پژوهش شرایطی است که می تواند بر راهبردهای حکمی سازی در نظام آموزش عالی تأثیر بگذارد و شامل دو مؤلفه عوامل فرهنگی و عوامل ساختاری هست. عوامل فرهنگی در حکمی سازی نظام آموزش عالی به مجموعه ای از ویژگی ها، ارزش ها، باورها و رویه های اجتماعی و فرهنگی اشاره دارد که بر نحوه عملکرد و تصمیم گیری های نظام های آموزشی تأثیر می گذارد. این عوامل می توانند شامل هنجارهای اجتماعی، ارزش های مدنی، تاریخ فرهنگی و تفاوت های منطقه ای باشند که به شکل دهی به سیاست ها و برنامه های آموزشی کمک می کنند. عوامل ساختاری در حکمی سازی نظام آموزش عالی به ویژگی ها و اجزای سازمانی اشاره دارد که بر نحوه عملکرد و تصمیم گیری های نظام های آموزشی تأثیر می گذارند. این عوامل شامل ساختارهای اداری، نظام های آموزشی، فرآیندها، قوانین و مقررات، منابع انسانی و مالی و روابط مدیریتی در سازمان های آموزشی هست.

در نهایت منظور از مداخله گرها در این پژوهش عواملی هستند که بر اجرای راهبردهای حکمی سازی در آموزش عالی تأثیر دارند و قادرند پیاده سازی و اجرای این راهبردها را تقویت نمایند و شامل دو مؤلفه محیط خرد و محیط کلان هست. محیط خرد در حکمی سازی نظام آموزش عالی، به شرایط و عواملی اشاره دارد که در سطح جزئی و محلی بر تصمیم گیری ها و سیاست گذاری های آموزشی تأثیر می گذارد. این محیط شامل

تصمیم گیری های استراتژیک و حل مسائل پیچیده اشاره دارد. این نوع دانش شامل فهم عمیق از روندها، روندهای اجتماعی، اقتصادی و فناوری است و به افراد کمک می کند تا با درک شرایط متغیر، در سیاست گذاری ها و برنامه ریزی های آموزشی بهتر عمل کنند. همچنین تفکر خردمندانه در حکمی سازی نظام آموزش عالی به رویکردی اشاره دارد که در آن تصمیم گیری ها و سیاست گذاری ها بر مبنای استدلال منطقی، تجزیه و تحلیل عمیق داده ها و شواهد و بررسی چندگانگی دیدگاه ها انجام می شود. این نوع تفکر به افراد این امکان را می دهد که از تجربیات گذشته و اطلاعات موجود برای پیش بینی نتایج احتمالی و ارائه راه حل های مبتنی بر واقعیت استفاده کنند.

مقوله راهبردی بر دستیابی به اهداف خاص حکمی سازی در نظام آموزش تمرکز دارد و شامل ۴ مؤلفه استراتژی جامع علمی کشور، استراتژی رهبری تحول گرا، استراتژی حکمت رفتارگرا و استراتژی جهاد تبیین است. استراتژی جامع علمی کشور در حکمی سازی نظام آموزش عالی به چارچوب کلی و برنامه ریزی شده ای اشاره دارد که هدف آن پیشبرد علم و فناوری، ارتقاء آموزش عالی و بهبود کیفیت دانشگاه ها و مؤسسات آموزشی است. این استراتژی معمولاً شامل سیاست ها، اهداف و اقداماتی است که به منظور تقویت زیرساخت های آموزشی، جذب و حفظ استعدادها و پیوند عمیق تر بین دانشگاه ها و صنعت و همچنین ارتقاء تحقیقات علمی تدوین می شود. استراتژی رهبری تحول گرا در حکمی سازی نظام آموزش عالی به رویکردی اشاره دارد که در آن رهبران و مدیران آموزشی تلاش می کنند با ایجاد تغییرات مثبت و نوآورانه در ساختارها، فرآیندها و فرهنگ سازمان آموزشی، به بهبود کیفیت آموزش و پاسخگویی به نیازهای جامعه بپردازند. این نوع رهبری بر پایه ایجاد انگیزه، الهام بخشی و همکاری با دیگران به منظور تحقق اهداف مشترک استوار است. همچنین استراتژی حکمت رفتارگرا در حکمی سازی نظام آموزش عالی به رویکردی اشاره دارد که در آن تصمیم گیری ها و سیاست گذاری ها بر اساس رفتارها، نیازها و تجربیات ذینفعان مختلف، از جمله دانشجویان، اساتید و جامعه صورت می گیرد. این استراتژی بر این فرض استوار است که درک صحیح از رفتار انسان و شرایط اجتماعی می تواند به بهبود فرآیندهای آموزشی و ارتقاء کیفیت یادگیری منجر شود. در نهایت استراتژی جهاد تبیین در حکمی سازی نظام آموزش عالی به مجموعه اقداماتی اشاره دارد که هدف آن تبیین و روشن سازی اصول، اهداف و مزایای نظام آموزش عالی به ذینفعان مختلف از جمله دانشجویان، اساتید والدین و حتی جامعه گسترده تر است. این استراتژی بر اهمیت آگاهی بخشی،

ویژگی‌های خاص دانشگاه‌ها، نیازهای دانشجویان و تعاملات بین اعضای هیئت علمی و دانشجویان است. در نهایت محیط کلان در حکمی سازی نظام آموزش عالی به مجموعه‌ای از عوامل و شرایطی اشاره دارد که در سطح وسیع‌تری بر سیاست‌ها و تصمیم‌گیری‌های آموزشی تأثیر می‌گذارد.

همچنین نتایج حاصل از این سؤال پژوهش در برخی از تحقیقات داخلی همسو است. جامه بزرگ و خسرو پناه (۱۴۰۳) در مطالعه‌ای با عنوان ابعاد یادگیری در مدل طراحی آموزشی حکمی (حکمت بنیان) مبتنی بر رویکرد حکمی-اجتهادی بیان کردند که یادگیری مبتنی بر فرا عقلانیت ابعاد مشخصی دارد که شامل تبیین و تفسیر ابعاد یادگیری، اهداف یادگیری، تولید محتوا، نقش و تبحر معلم شاگرد، تدریس و ارزشیابی است. رحیمی و همکاران (۱۴۰۳) نیز در مطالعه‌ای با عنوان طراحی مدل خرد سازمانی بر رویکرد داده بنیاد نشان دادند که عبارات مستخرج از مصاحبه‌ها که مختص فضای سازمان جهاد کشاورزی استان لرستان در ۱۱۹ کد اصلی و ۱۹ مقوله خلاصه گردید. این پژوهش مدلی را ارائه داد که عوامل مؤثر، موانع و عوامل مداخله‌گر و پیامدهای خلق خرد سازمانی را با در نظر گرفتن مدیریت دانش، در پنج مقوله محوری طبقه‌بندی می‌کند. میری و همکاران (۱۴۰۲) نیز در مطالعه‌ای با عنوان راهبردهای آموزش در دانشگاه حکمت بنیان بیان کردند مواردی از قبیل حاکمیت اصول اعتقادی، احکام و اخلاق اسلامی در تمامی ابعاد دانشگاه، خردورزی و عقلانیت، تقدم تزکیه بر تعلیم، قدسی بودن علم و محیط‌های علمی، تعهد به آرمان‌های انقلاب اسلامی، جهاد علمی و ارتقای اعتماد به نفس ملی و تولید علم نافع و توسعه نهضت نرم‌افزاری؛ تقدم منافع ملی و مصالح عمومی بر منافع فردی و گروهی؛ تمدن سازی دانشگاه‌ها، عدالت محوری در تمامی شئون دانشگاه، اهتمام به ملازمات پیوستگی دو نظام آموزش عالی و آموزش عمومی، اهتمام به ملازمات پیوستگی دو نظام آموزش عالی و آموزش عمومی از جمله اصول و مبانی دانشگاه حکمت بنیان هستند. رحمانیان کوشکی و همکاران (۱۴۰۲) در مطالعه‌ای با عنوان مدل مفهومی استقرار سازمان حکمت محور در کمیته ملی المپیک جمهوری اسلامی ایران نشان دادند که در استقرار سازمان حکمت محور در کمیته ملی المپیک شرایط علی شامل عوامل خلاقیت، نوآوری، یادگیری سازمانی، فرآیند محوری، عوامل زمینه‌ای شامل عوامل سازمانی و انسانی، عوامل مداخله‌گر شامل سیاست‌های کلان و عوامل محیطی، راهبردها شامل دیدگاه راهبردی، تصمیم‌گیری و قضاوت عقلانی و اخلاقی و پیامدها شامل توسعه و تعالی سازمانی است. محرابیان (۱۴۰۰) در مطالعه‌ای به بررسی و

شناسایی مؤلفه‌های خرد سازمانی پرداخت که نتایج نشان داد که خرد سازمانی دارای ۹ مؤلفه هست که مدیران سازمان‌ها با استفاده از این مؤلفه‌ها می‌توانند خرد سازمانی را توسعه داده و از نتایج آن در سازمان خود منتفع گردند. احمدی غفور و همکاران (۱۳۹۹) در مطالعه‌ای با عنوان بررسی و استخراج عناصر تشکیل‌دهنده حکمت سازمانی و ارزیابی آن نشان دادند که ترتیب و اولویت هر یک از عوامل ۵ گانه حکمت سازمانی بدین شرح است: ۱. یادگیری (مستمر)، ۲. هوش و ذکاوت، ۳. خلاقیت و نوآوری، ۴. ارزش‌ها و اعمال اخلاقی و اولویت، ۵. تفکر (سیستمی و خردمندانه) هست. رضائیان و همکاران (۱۳۹۸) در مطالعه‌ای با عنوان طراحی و تبیین مدل سنجش خرد سازمانی نشان دادند که مدل سنجش خرد سازمانی دربرگیرنده یازده مؤلفه در پنج سطح است. در سطح اول، مؤلفه‌های تفکر راهبردی و ساختار سازمانی قرار گرفته‌اند که نشان‌دهنده تأثیرپذیری بالای این دو متغیر در سامانه مذکور هست و اهمیت بالای این دو شاخص را در این سامانه نمایان می‌سازد. در سطح دوم، مؤلفه‌های فضیلت و اصول اخلاقی، یادگیری و آموزش و راهبردی و اهداف تأثیرگذاری مستقیم با سطح اول دارد. در سطح سوم مؤلفه‌های تصمیم‌گیری، رهبری و مدیریت منابع انسانی وجود دارد و در سطح چهارم، مؤلفه‌های همکاری و عمل‌گرایی و در پایین‌ترین سطح، نوآوری و خلاقیت، قرار گرفته است که تأثیر مستقیم با سطوح بالا دارد. نوروزیان امیری و همکاران (۱۳۹۸) در مطالعه‌ای با عنوان مفهوم‌سازی مدیریت حکمت بنیان مدرسه نشان دادند که مدیریت حکمت بنیان مدرسه با اتکا به عوامل نگرشی، نظری و سازمانی قابل‌بازشناسی است. همچنین این سازه تحت تأثیر شرایط مداخله‌گر محیطی و سیاست‌های کلان و شرایط زمینه‌ای (قابلیت‌های علمی، قابلیت‌های فرهنگی، قابلیت‌های معنوی، قابلیت‌های نظری) قابل توسعه است. درواقع به‌کارگیری راهبرد رهبری حکیمانه، موجب توسعه حکمت در مدارس، بالندگی فرهنگی و تحقق اهداف نافع مدرسه خواهد شد.

در مطالعات خارجی نیز نتایج حاصل از این پژوهش با نتایج برخی از تحقیقات پیشین همسو است. رماناسویکاس و بانویچیوس (۲۰۲۱) در مطالعه‌ای با عنوان اصول حکمت سازمانی در صنعت گردشگری سلامت نشان دادند که رهبری تحول‌آفرین، فرهنگ سازمانی، ساختار مدیریت و کار تیمی، شناخت تغییرات محیطی و واکنش سریع و مؤثر به آن، تفکر سیستمی، تعامل بین سازمان‌های مختلف که می‌تواند منجر به

راه‌حل‌های باکیفیت بالا (نوآوری) شود. مورسپ ۱ (۲۰۲۱) نیز در مطالعه‌ای با عنوان ایجاد حس مدیریت حکمت نشان داد که حکمت برای رهبری مؤثر، به‌ویژه در سازمان‌های خودسازمان‌دهنده حیاتی است. درنهایت سیادات و همکاران (۲۰۱۵) در مطالعه‌ای با عنوان اعتبارسنجی مؤلفه‌های ابزار اندازه‌گیری خرد سازمانی و بررسی رابطه آن باهوش راهبردی نشان دادند که برای خرد سازمانی به ترتیب مؤلفه‌های مهارت‌های تصمیم‌گیری و قضاوت، هوشمندی، قدرت یادگیری، مهارت‌های اجتماعی و ویژگی‌های شخصیتی، فکر کردن و تأمل، فضیلت و ارزش‌های اخلاقی، تجربه و دانش مؤلفه‌های مؤثر برای وضعیت مطلوب بودند.

بنابراین در راستای تحقق این هدف، به الگوی حکمی سازی در نظام آموزش عالی پرداخته شد که در ابتدا مدل به‌دست‌آمده در بخش کیفی تحقیق بر مبنای داده‌های مصاحبه استخراج و سپس در بخش کمی، اعتبار یابی آن صورت پذیرفت. با توجه به محتوای به‌دست‌آمده می‌توان چنین نتیجه‌گیری نمود که برای حکمی سازی در نظام آموزش عالی به‌صورت منحصربه‌فرد کلیه مقوله‌ها و مؤلفه‌های به‌دست‌آمده نقش به سزایی در حکمی سازی نظام آموزش عالی دارند.

نتیجه‌گیری

در سند پنجم توسعه به‌ضرورت وجود حکمی سازی در آموزش عالی اشاره شده و در چشم‌انداز نظام آموزش عالی در افق ۱۴۰۴ نیز این‌گونه تعریف شده است: برخورداری از آموزش عالی، دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌های پیشگام در عرصه تولید دانش تمدنی، تبیین توسعه فرهنگ جهانی اسلام و پیشتاز در گسترش مرزهای دانش و علوم کاربردی و کارآمد مبتنی بر نگرش وحیانی به‌منظور کسب مرجعیت علمی و فرهنگی در منطقه و جهان اسلام و دارای اساتید عالم، متدین، عدالت‌خواه و آزاداندیش تربیت‌یافته در مکتب اسلام و انقلاب، مسئولیت‌پذیر در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی با توانایی تربیت متخصصانی متدین و متعهد و دانشمندانی برتر که همان به مفهوم حکمی سازی نظام آموزش عالی هست. حکمی سازی نظام آموزش عالی، هندسه پویایی است که بر اساس کارکرد افراد، گروه‌ها و مراکز حکمت بنیان و یا تکیه بر ارزش‌های دینی و ملی در چارچوب خوشه‌های علم و فناوری از هم‌افزایی، خودسازمان‌دهی و معماری علم و ثروت حکمت بنیان در سطح ملی و فراملی پشتیبانی می‌کند که دارای رابطه مؤثر، سازمان‌یافته با صنعت، دولت و جامعه است. دستیابی به آرمان

غایی (الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت) با توسعه حکمت و ایجاد حکمی سازی نظام آموزش عالی و به‌عبارتی دیگر تناسب پویای نظر- عمل، باطن- ظاهر و جمع - فرد با راهبری نظر، باطن جمع (با ابتنای بر فطرت) شکل خواهد گرفت. همچنین حکمی سازی نظام آموزش عالی برای واکنش به نیازها و مسائل فردی، سازمانی، اجتماعی و بین‌المللی بشریت در دنیای امروز ضروری است و در تشخیص و فهم رویدادها، جریان‌ها، نیازها و مسائل فردی، سازمانی، اجتماعی و بین‌المللی بشریت و ارائه راه‌حل‌های ممکن برای این مسائل تواناست، زیرا حکمی سازی نظام آموزش عالی موتور محرکه اصلی جامعه اسلامی برای حرکت به‌سوی تمدن آرمانی اسلامی- ایرانی است و چون حکیمانه اداره می‌شود (حکمت بنیان) و خود سبب گسترش حکمت در جامعه می‌شود (حکمت گستر). همچنین حکمی سازی نظام آموزش عالی در سطح فرد «انسان‌ساز» و در سطح جامعه «تمدن‌آفرین» هست و آرمانی است که در کنار «مرجعیت علمی» و گذار به‌سوی «دانشگاه‌های کارآفرین و نوآور» قابل حصول است. درنهایت در راستای اهمیت نتایج ماحصل از حکمی سازی نظام آموزش عالی می‌توان چنین بیان کرد که:

- آموزش عالی حکمی نیاز محور و کارآمد است.
- آموزش عالی حکمی نخبه‌گراست.
- آموزش عالی حکمی فایده‌گرا به معنی قرآنی یعنی خیر کثیری که بهره‌وری از آن در آخرین حد و میزان حاصل می‌شود.

پیشنهادهای

از آنجایی که موضوع حکمی سازی در حوزه مدیریت و سازمان ضرورتاً دارای کانونی عملی و کاربرد محور است و این تحقیق نیز در نظام آموزش عالی صورت گرفته، سعی شده است پیشنهادهایی که ارائه می‌گردد از حالت انتزاعی فراتر رفته و در جهت به کار گرفتن حکمی سازی و مدیریتی و رفتن به‌سوی آموزش عالی حکمی به‌خصوص در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی باشد؛ بنابراین با توجه به نتایج تحقیق توصیه‌هایی جهت مدل حکمی سازی در نظام آموزش عالی ارائه می‌شود:

- در راستای مقوله عوامل علی پیشنهاد می‌شود:
 - ◀ تقویت دانش و مهارت‌های فردی توانمندی‌های اساتید و کارکنان در زمینه تدریس، پژوهش و مشاوره.
 - ◀ تقویت تعاملات اجتماعی و کیفیت روابط و تعاملات بین اعضای هیئت‌علمی، دانشجویان و کارکنان که می‌تواند به تبادل نظرات و تجربیات کمک کند.

تحلیل و بررسی نیازهای جامعه محلی و صنایع به منظور طراحی برنامه‌ها و دروس آموزشی متناسب با بازار کار و چالش‌های موجود.

توجه به تحولات جهانی از طریق تحلیل روندهای جهانی و تحولات فناوری اطلاعات و ارتباطات به منظور ارائه آموزشی نوین روزآمد برای دانشجویان.

نهایتاً با سخنی حکیمانه و منسوب به امام علی (ع) این پژوهش را به پایان می‌بریم:

علم نه‌ری است که عالمان حول آن طواف می‌کنند و حکمت دریایی است که حکیمان در آن غواصی می‌کنند و دریایی است که عارفان سوار بر کشتی‌های نجات از آن عبور می‌کنند.

فهرست منابع

احمدی، غفور. نژاد ایرانی، فرهاد. بهلولی، نادر. رحیمی، غلامرضا. (۱۳۹۹). بررسی و استخراج عناصر تشکیل دهنده حکمت سازمانی و ارزیابی آن با استفاده از متد MCDM فازی. نوآوری های مدیریت آموزشی، ۱۶(۱)، صص: ۹۰-۱۰۷.

حیدری تفرشی، علیرضا. حیدری تفرشی، غلامحسین. خورشیدی، عباس. (۱۳۹۷). تحول در دانشگاه به واسطه ترسیم الگوی بهره وری اعضای هیات علمی. مجله دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی مشهد، ۶۱(۱)، صص: ۴۰۵-۴۱۸.

جاجرمی زاده، محسن. (۱۴۰۱). الگوی مدیریت تحول فرهنگی در دانشگاه بر پایه نظرات آیت الله خامنه‌ای. مطالعات مدیریت دولتی ایران، ۵(۱)، صص: ۸۷-۵۹.

جامه بزرگ، زهرا. خسروپناه، عبدالحسین. (۱۴۰۳). ابعاد یادگیری در مدل طراحی آموزشی حکمی (حکمت بنیان) مبتنی بر رویکرد حکمی - اجتهادی. انسان پژوهی دینی، ۲۱(۵۱)، صص: ۲۵-۴۶.

جمشیدی خوش، مهدی. (۱۴۰۱). رابطه هوش معنوی با شکل‌گیری حکمت سازمانی و تشکیل سازمان حکمت مدار. مطالعات مدیریت و کار آفرینی، ۳۹(۸)، صص: ۳۲۸-۳۲۸.

حق‌دوست، علی اکبر. امامی رضوی، سید حسن. افشار، لیلا. (۱۴۰۰). دانشگاه حکمت بنیان، هدف راهبردی الگوی شش وجهی تعالی آموزش علوم پزشکی. طب و تزکیه، ۳۰(۱)، صص: ۵۷-۶۵.

تدوین سیاست‌ها و دستورالعمل‌هایی که حامی حکمی‌سازی و تغییرات لازم در نظام آموزش عالی.

در راستای مقوله محوری پیشنهاد می‌شود:

توسعه مهارت‌های عملی از طریق تمرکز بر آموزش مهارت‌های عملی کاربردی برای دانشجویان و اساتید، از جمله کارگاه‌ها و دوره‌های حرفه‌ای.

استفاده از داده‌ها و اطلاعات برای شناسایی روندها و الگوها در یادگیری و عملکرد دانشجویان.

ایجاد سیستم‌های مدیریت دانش که به اشتراک‌گذاری اطلاعات و تجربیات بین اعضای هیئت علمی و دانشجویان کمک کنند.

در راستای مقوله استراتژی‌ها پیشنهاد می‌شود:

هم‌افزایی دانشگاه و صنعت با ایجاد پل ارتباطی بین دانشگاه‌ها و صنایع برای تبادل دانش و تجربه.

ایجاد انگیزش درون‌سازمانی از طریق ایجاد سازوکارهای تشویقی برای کارکنان و دانشجویان به منظور مشارکت در تحولات و تغییرات مثبت در نظام آموزش.

نهادینه‌سازی ارزش‌های اخلاقی از طریق ترویج رفتارهای اخلاقی و اجتماعی در آموزش به عنوان محور اصلی در یادگیری.

ارائه آموزش تبیینی و توسعه برنامه‌های آموزشی که بر تبیین مفاهیم علمی و اجتماعی تأکید دارند.

در راستای مقوله پیامدها پیشنهاد می‌شود:

ایجاد سیستم‌های ارزیابی مستمر برای سنجش کیفیت آموزشی و عملکرد اساتید و دانشجویان، به‌طوری‌که نقاط قوت و ضعف شناسایی شوند.

گنجاندن دروس اخلاقی و ادغام دروس اخلاق در برنامه‌ریزی درسی به منظور تقویت ارزش‌های انسانی همچون صداقت، احترام، مسئولیت‌پذیری.

در راستای مقوله زمینه پیشنهاد می‌شود:

ترویج فرهنگ یادگیری از طریق ایجاد فضایی که در آن یادگیری به عنوان یک ارزش اجتماعی معتبر شناخته شود و همه افراد حرفه‌ای، چه اساتید و چه دانشجویان، همواره به دنبال یادگیری جدید باشند.

فراهم آوری ساختارهای ارتباطی از طریق طراحی کانال‌های ارتباطی مناسب بین سطوح مختلف مدیریت دانشگاه و اعضای هیئت علمی و دانشجویان به منظور بهبود تبادل اطلاعات و همکاری.

در راستای مقوله مداخله‌گرها پیشنهاد می‌شود:

- جهانی شدن. سیاست‌های راهبردی و کلان، ۶(۲۴)، صص: ۵۱۸-۵۴۵.
- میری، امیر. عباسپور، عباس. خورسندی، علی. خرمشاد، محمدباقر (۱۴۰۲). راهبردهای آموزش در دانشگاه با رویکرد دانشگاه حکمت بنیان. دوماهنامه علمی- پژوهشی راهبردهای آموزش در علوم پزشکی، ۱۶(۱)، صص: ۲۱-۳۱.
- نوروزیان امیری، محمد. خلخال، علی. شکیبایی، زهره (۱۳۹۸). مفهوم سازی مدیریت حکمت بنیان مدرسه، نشریه مدیریت مدرسه، ۷(۱)، صص: ۱-۲۲.
- Aditya, B. R., Ferdiana, R., & Kusumawardani, S. S. (2022). Identifying and prioritizing barriers to digital transformation in higher education: a case study in Indonesia. *International Journal of Innovation Science*, 14(3/4): 445-460.
- Akgün-Özbek, E., & Özkul, A. E. (2023). E-transformation in higher education and what it coerces for the faculty. In *Research Anthology on Remote Teaching and Learning and the Future of Online Education*, IGI Global, 5(9): 1086-1111.
- Haetami, H. (2024). Local Wisdom-Based Education Management: Building Identity in the Midst of Globalization. *Gestion Educativa*, 1(2): 9-17.
- Javidi, N., & Mohammadzadeh, Y. (2022). The effect of virtualization of organizational performance on organizational stability through the synergy of human capital and organizational wisdom organization in sports organizations. *Technium Sustainability*, 2(1), 13-30.
- Marks, A., & Al-Ali, M. (2022). Digital transformation in higher education: a framework for maturity assessment. In *COVID-19 Challenges to University Information Technology Governance*, Cham: Springer International Publishing. 1(5): 61-81.
- Müürsepp, P. (2021). Making sense of wisdom management. *International Journal for Applied Information Management*, 1(2): 63-69.
- Ramanauskas, J., & Banevicius, S. (2021). Principles of organizational wisdom in the health tourism industry. *Baltic journal of economic studies*, 7(4): 1-7.
- Sancak, I. E. (2023). Change management in sustainability transformation: A model for business organizations. *Journal of Environmental Management*, 330: 117-165.
- Siadat S, Saeed R, Mohammad A, (2015), The Relationship between Organizational Wisdom and Knowledge Management, *Competitive Intelligence and Business Intelligence*, *International Journal of Human Resource Studies*, 5(2):133-154.
- رحمانیان کوشکی، بهاره. سجادی، نصرالله. حمیدی، مهرزاد. علیدوست قهرفرخی، ابراهیم. (۱۴۰۲). مدل مفهومی استقرار سازمان حکمت محور در کمیته ملی المپیک جمهوری اسلامی ایران. پژوهشنامه مدیریت ورزشی و رفتار حرکتی، ۳(۴)، صص: ۲۷-۳۹.
- رحیمی، فرج‌اله. خلیلی، بهار. باورصاد، بلقیس. (۱۴۰۳). طراحی مدل خرد سازمانی با رویکرد داده بنیاد. مطالعات کتابداری و علم اطلاعات، ۱۶(۲)، صص: ۴۴-۵۹.
- رضائیان، علی. نظافتی، نوید. اوتارخانی، علی. المسوری، خالد. (۱۳۹۸). طراحی و تبیین مدل سنجش خرد سازمانی. پژوهش‌های مدیریت منابع انسانی، ۱۱(۱)، صص: ۱۱۷-۱۴۲.
- سعیدمهدوی، اکرم السادات. ستاری اردبیلی، فرزاد. خیراندیش، محمد. ابراهیم پور، حبیب. میرزایی دریانی، شهرام. (۱۴۰۰). طراحی و روان سنجی مقیاس سنجش خردمندی عملی مدیریتی در بیمارستان های وزارت بهداشت ایران. سلامت و بهداشت، ۱۲ (۴)، صص: ۵۴۸-۵۴۰.
- سهرابی، منیره. یمنی دوزی سرخابی، محمد. فراستخواه، مقصود. حضرتی، حسن. (۱۴۰۰). بررسی عوامل موثر بر شکل گیری و تحول دانشگاه در ایران از تأسیس دانشگاه تهران تاکنون. علوم تربیتی، ۲۸(۱)، صص: ۱۸۵-۲۰۶.
- صابری، علی. گودرزی، صمد (۱۳۹۸). تاثیر مدیریت دانش بر اثربخشی کارکنان وزارت ورزش و جوانان با تاکید بر نقش میانجی خرد سازمانی، نشریه پژوهش در ورزش تربیتی، ۷(۱۶)، صص: ۱۴۹-۱۶۸.
- صادقیان، موحد. منتظری، محمد. قهرمانی، جعفر. (۱۴۰۱). سطح‌بندی آسیب‌های توسعه مدیریت دانش در دانشگاه‌ها. خط مشی‌گذاری عمومی در مدیریت، ۱۳(۴۷)، صص: ۸۵-۱۰۳.
- صمدی میارکلائی، حمزه. صمدی میارکلائی، حسین. (۱۳۹۸). در مسیر دانشگاه حکیمانه: سومین انقلاب علمی- دانشگاهی. سیاست نامه علم و فناوری، ۹(۲)، صص: ۴۳-۶۶.
- محرابیان، پژمان. (۱۴۰۰). بررسی و شناسایی مولفه های خرد سازمانی. آفاق علوم انسانی، ۶۰(۵)، صص: ۳۱-۴۳.
- ملکی نیا، عماد. ملکی نیا، زهرا. فیضی، صدیقه. (۱۳۹۷). راهبردهای مورد نیاز نظام آموزش عالی ایران در عصر

Designing and validation the wisdom building model in the country's higher education system

Abstract

Currently, the country's university systems are mainly formed based on non-native approaches and therefore do not have the possibility of responding to the numerous needs of the Iranian scientific community in various dimensions, which can be solved by quantization as a solution. This research was conducted with the aim of designing and validating the quantization model in the country's higher education system. The research philosophy is mixed with an exploratory approach and the research method is qualitative (grounded data theory)-quantitative (survey). 12 experts in the higher education system were selected for face-to-face interviews using the snowball method. Questionnaires were designed from the coded and validated interviews. In the quantitative section, 190 faculty members of the Islamic Azad University of Mashhad were selected using a stratified random method proportional to the volume. In order to analyze the data obtained from the interviews, a three-stage process of open, axial, and selective coding was used. Dimensions and components were determined and the model was examined. The results included 298 open codes in the form of 16 components and 6 categories. The causal factors category includes 3 components of individual, interpersonal and organizational factors. The pivotal category (judgment-making) includes 3 components of practical knowledge, intelligent knowledge and wise thinking. The strategies category includes 4 components of the country's comprehensive scientific strategy, transformational leadership strategy, behavioral wisdom strategy and explanation jihad strategy. The consequences category includes 2 components of improving the performance of the education system and realizing moral virtues. The service context category includes 2 components of cultural factors and structural factors. Finally, the intervention category includes 2 components of the micro environment and the macro environment. The quantitative results showed that the aforementioned model has the necessary validity. Ultimately, presenting a de jure model in the country's higher education system can reconcile students with an atmosphere of wisdom and reason in the university and provide a solution to many problems in higher education.

Keywords: wisdom, wisdom building, higher education.

